

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

اشکال کلی نسبت به همه روایات

نتیجه مباحث گذشته این شد که آیه شریفه هم بنفسه بر مدعا دلالت دارد و هم به انضمام این روایاتی که بیان شد. در برخی از کلمات بزرگان، نسبت به اکثر روایات اشکالی عنوان شده است؛ که از میان روایات، فقط روایت عبدالاعلی مولي آل سام از نظر دلالت، در مدعا که نفی حکم حرجی است، ظهور دارد؛ اما بقیه روایات، ظهوری در این مدعا ندارد، بلکه دلالت دارد بر این که خود حکم موجود، عنوان حرج ندارد.

مدعا این است که بگوئیم **لا حرج**، حکم ثابت در شریعت را در موارد حرجی برمی دارد؛ اما این روایات این طور نیست. مثلاً در روایت فضیل، — روایت فضیل این بود که جنبی یزید أن یغتسل فینتضح من الماء فی الاناء، مقداری از آب غسلش داخل اناء می ریزد؛ امام فرمود: **لأبأس، هذا قول الله تبارک وتعالی «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»**، — کجای روایت فضیل دلالت دارد که **لا حرج**، حکم حرجی را برمی دارد؟ فضیل احتمال می داده که اختلاط آب اناء با آبی که برای رفع حدث اکبر استعمال شده، موجب عدم صحت غسل شود؛ و امام نیز می فرماید: با این آب می شود وضو گرفت و یا غسل با این آب صحیح است. اما کجا دلالت دارد بر نفی یک حکم حرجی؟

کلام صاحب منتقی الاصول

در کتاب «منتقی الاصول» جلد چهارم صفحه 348، بیان فرموده اند: «وفي موارد هذه النصوص ليس هناك حکم کذلک — در موارد این نصوص، ما چنین حکمی نداریم؛ — **بحیث یتکفل النص رفعه** — که این نص (لا حرج) متکفل رفع آن باشد — **ویکون حاکماً علی دلیلہ** — و لا حرج بخواید حاکم بر دلیلش باشد؛ — **بل هی تتکفل اثبات حکم سهل** — بلکه این نصوص عهده دار اثبات حکم آسان می باشند؛ یعنی بگوئید اینجا هم مشکلی نیست؛ و مثلاً با آب غدیر که آلوده به بول صبی و روث دابه است، می شود وضو گرفت؛ حکم وضو گرفتن اینقدر آسان است. در نتیجه، بر نفی حکم حرجی دلالت ندارد. ایشان این بیان را ذکر می کنند و از همین جا منکر «قاعده لا حرج» به طور کلی می شوند.

جواب کلام صاحب منتقي

سه جواب از این بیان وجود دارد؛ **جواب اول** این است که در میان روایات، اولین روایتی که خواندیم، روایت شعر یا شعرترین بود که در این کتاب، اصلاً به آن تعرضی نشده است. امام در این روایت می‌فرمودند: «**لیس بشيء**»؛ و ما معنا کردیم که **لیس بشيء** یعنی **لیس علیه کفارة**. چطور در اینجا امام می‌فرماید حکم وجوب کفاره موجب حرج می‌شود؛ یک مسلمان در یک روز چند مرتبه می‌خواهد وضو بگیرد، اگر در هر مرتبه بگوییم که باید یک کفاره‌ای بدهد، موجب حرج است و اینجا امام به طور کل کفاره را نفی می‌کند؛ لذا، این روایت به خوبی بر نفی حکم حرجی دلالت دارد.

جواب دوم جوابی است که از مرحوم شیخ انصاری در کتاب خیارات استفاده می‌کنیم؛ مرحوم شیخ برای موارد عدم لزوم عقد به لاجرح استدلال می‌کند؛ در اینجا نیز مثلاً در روایت فضیل که می‌خواهد غسل کند، و لزوم الاجتناب من الماء در ذهن سائل است، لاجرح این لزوم الاجتناب را بر می‌دارد؛ هنگامی که می‌گوییم لاجرح یک حکمی را برمی‌دارد، معنایش این نیست که حتماً باید «أقیموا الصلاة» باشد؛ بلکه این موارد را نیز شامل می‌شود. به عبارت دیگر، لاجرح جلوی جعل حکم حرجی را می‌گیرد. و در بحث تنبیهات لاجرح خواهیم گفت که لازم نیست لسان **لا حرج** همیشه به صورت حکومت باشد؛ بلکه اگر **لا حرج** از اول نگذارد که یک حکم حرجی جعل شود، اینجا دیگر حکومت نمی‌خواهد که بگوییم حاکمش کجاست؟ محکومش کجاست؟ بنابراین، عدم جعل حکم حرجی از سوی شارع نیز جزء مدلول لاجرح است.

جواب سوم شبیه جواب دوم است و به همین مقدار اکتفا می‌شود.

جمع‌بندی مطالب تا اینجا بحث

از این آیه شریفه و روایات مجموعاً شش مطلب استفاده کردیم؛

اولین مطلب اثبات مدعای مشهور است که آیه بر نفی حکم حرجی دلالت دارد.

مطلب دوم از روایات استفاده کردیم که «**مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ**» عنوان تعلیل دارد؛ یعنی ما باشیم و خود آیه، نمی‌توانیم بگوییم حتماً تعلیل است اما به ضمیمه روایات خصوصاً روایت عبدالاعلی، صریح در این است.

نکته سوم این است که از روایاتی که در ذیل آیه شریفه وارد شده، استفاده می‌کنیم که «**مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ**» در مقام امتنان است. «**وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۚ هُوَ اجْتَبَاكُمْ**»، خداوند شما امت را انتخاب فرموده؛ اگر حرج را به معنای همان آصار بنی اسرائیل بگیریم؛ یعنی بگوییم شارع می‌فرماید در این امت آن مشقت‌هایی که بر بنی اسرائیل بود، در این امت نیست؛ این یک امتنانی است؛ البته ما آیه را این طور معنا نکردیم. «**مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ**» تعلیل برای «جاهدوا» است؛ یعنی باید نهایت تلاش خودتان را انجام دهید چون عذری ندارید؛ چون ما برای شما حکم حرجی قرار ندادیم؛ پس، امتنان از خود آیه فهمیده نمی‌شود؛ اما وقتی روایات را ببینیم، به قرینه مورد و سؤالی که در این روایات بوده، می‌فهمیم که این امتنان است.

مطلب چهارم یکی از تنبیهاتی که در قاعده لاجرح است، این است که آیا حرج شخصی مراد است؟ «**مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ**»، یعنی اگر شخص معین مکلف، گرفتن وضو، روزه و... برایش حرجی است، حکم برداشته می‌شود؛ اما اگر برای دیگری حرجی نبود، حکم برای او ثابت است؛ اگر بگوییم مراد حرج شخصی است، باید هر شخصی را به حسب خودش ملاک قرار

دهیم. یا این که مقصود حرج نوعی است؛ بگوییم در زمستان که آب یخ بسته و دما 10 درجه زیر صفر است، از صد نفر، نود نفر می گویند رفتن در حیاط و شکستن یخ و وضو گرفتن حرجی است؛ اما آدم قوی هم وجود دارد که می گوید این کار برای من عادی است. اگر گفتیم که ملاک حرج نوعی است، چون برای نوع مکلفین حرج وجود دارد، از آن یک نفر هم برداشته می شود.

حال، سؤال این است که اگر ما باشیم و آیه 78 سوره حج و هشت روایتی که به این آیه در آنها استدلال شده، آیا از اینها حرج شخصی استفاده می کنیم یا حرج نوعی؟ ما هم بر حرج شخصی قرینه داریم و هم بر حرج نوعی؛ «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ» یعنی «علي کل واحد منکم»؛ خطاب «علیکم» در حرج شخصی ظهور دارد؛ این قرینه حرج شخصی. اما قرینه حرج نوعی این است که «جعل» شارع در مقام قانونگذاری است و حکم حرجی جعل نمی کند؛ در مقام قانونگذاری نیز نوع در نظر گرفته می شود.

از میان روایات نیز، روایت شعر و شعرین، هم حرج شخصی را می گیرد و هم نوعی را؛ کسی که محرم است دارد و وضو می گیرد، اگر به او بگویند که تو در روز پنج بار وضو می گیری و شعر و شعرین از محاسن تو ساقط می شود، پس پنج بار باید كفاره دهی؛ این حرج شخصی می شود. حرج نوعی هم می تواند باشد؛ برای نوع مردم محرم، شارع اگر بفرماید هر باری که وضو گرفتید، كفاره دهید، این حرج است. حرج در روایت «محمد بن میسر» حرج شخصی است. حرج در روایت «رکوه» نوعی است. حرج در روایت «غدیر» و روایت «فضیل»، حرج نوعی است. روایت «عبدالعلی مولي آل سام» حرج شخصی را می گوید. نتیجه ای که می گیریم این است که ما یک اطلاقی را استفاده می کنیم؛ در این نزاع، مشهور بین قدما گفته اند حرج نوعی ملاک است؛ و مشهور بلکه نود درصد از متأخرین، حرج را حرج شخصی می دانند. مجموعاً می توانیم عمومیتی را استفاده کنیم و بگوییم فرقی بین حرج شخصی و نوعی نیست؛ هر کدام می خواهد باشد.

نکته پنجمی که از این آیه شریفه به ضمیمه روایات استفاده می کنیم، این است که در شریعت وقتی از یک مرجع تقلید هم سؤال کنند که حرج یعنی چه؟ می فرماید: مشقتی است که لایحتمله الانسان عادتاً؛ یعنی فوق طاقت انسان است، اما «ما لایطاق» نیست؛ چرا که عقلاً تکلیف ما لایطاق محال است. از نظر معنای لغوی نیز گفتیم که گاهی اوقات حرج را به «مطلق الضیق» و گاهی به «اضیق الضیق» معنا کرده اند؛ حال سؤال این است که آیه شریفه و روایاتی که در ذیل آیه شریفه وارد شده، در کدام معنا ظهور دارد؟

به نظر ما «مطلق الضیق» را می گیرد؛ نه مشقتی که لایحتمله الانسان عادتاً. و در این روایات، قرینه ای بر این که منظور از حرج، حرج خیلی شدید - اضیق الضیق - است، نداریم؛ البته همان نکته ای که در روز اول عرض کردم، لاجرج تقریباً دین را به عنوان یک دین وسط و متعادل معرفی می کند؛ نه آن قدر سختگیری شود که انسان از دین زده شود و نه آن قدر سهل که تکالیف بخواهد موهون شود. البته ممکن است دلیل دیگری پیدا کنیم که بگوییم بر طبق آن دلیل، حرج یعنی مشقتی که لایحتمله الانسان عادتاً.

مطلب ششمی که از مجموعه این آیه و روایات استفاده کردیم، هر چند بر خلاف فرمایش دیگران نیز می باشد، این است که **لا حرج** هم می تواند دلیل برای اصالة الطهاره باشد - که توضیحش را دادیم - و هم می تواند دلیل بر قاعده میسور باشد.

دومین آیه شریفه که به آن استدلال شده است

این آیه، آیه ششم سوره مبارکه مائده است؛ (من آیه را می خوانم و نکته اش را هم عرض می کنم تا بیان استدلال)؛ آیه شریفه این است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ - ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که می خواهید نماز بخوانید وضو بگیرید؛ کیفیت وضو را نیز بیان فرموده است - وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ

كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا — بعد فرموده اگر می خواهید نماز بخوانید و جنب هستید، غسل کنید. — وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ — اگر مریض یا مسافرید یا مبتلا به حدث اصغرو یا حدث اکبرید — فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً — آب پیدا نکردید — فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا — تیمم کنید؛ کیفیت تیمم را نیز بیان می کند — فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ — با همین صعيد وجه و دستتان را مسح کنید؛ اما شاهد ما در این است که می فرماید: — مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ — خداوند اراده نکرده است که برای شما حرج جعل کند — وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ — می خواهد شما را تطهیر کند — وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ — نعمتش را بر شما اتمام کند — لِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ —. برخی از بزرگان که به آیه قبل بر قاعده لاحرج استدلال کرده اند، فرموده اند این آیه دلالتش بر لاحرج مخدوش است؛ بعضی از بزرگان نیز عکس آن را گفته اند.

مرحوم محقق اردبیلی در «زبدة البيان» استدلال به آیه قبل بر مدعا را نپذیرفته اند؛ اما اینجا احتمالش را داده اند و رد نکرده اند. لکن غالب فقها نظریه اول را می گویند. یعنی به این آیه شریفه که رسیدند، گفته اند بر مدعا دلالت ندارد.

در مورد این قسمت از آیه شریفه که «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ...» اختلاف است که آیا مربوط به تمام آیه است؛ یعنی از اول آیه که فرمود: می خواهید نماز بخوانید، وضو بگیرید، اگر جنب بودید غسل کنید، اگر آب نداشتید تیمم کنید، «مَا يُرِيدُ اللَّهُ» همه را شامل می شود و یا آن که فقط مربوط به تیمم است؟ این را دقت بفرمایید، فردا عرض کنیم. والسلام.